

بنیاد فرهنگی کهزاد

صنعت و پیشه در عصر موهنجودایو

نگارش: داکتر ارنست مکی

ترجمه: احمد علی کهزاد

صنعت و پیشه در عصر موهنجودایرو

بنیاد فرهنگی کهزاد

نگارش: داکتر ارنست مکی

ترجمه: احمد علی کهزاد

مقصد از ایراد این کنفرانس این است که برای حاضرین پاره معلوماتی در زمینه صنعت و پیشه و مدنیتی داده شود که در حوالی 5000 سال قبل در مناطق شمال غرب هند وجود داشت و در نتیجه عامل ظهور شهرهائی شد مانند «موهنجو دیرو» و «هره په» که از نقطه نظر ضخامت و کلفتی دیوارها کمتر نظیری در دنیای قدیم دارد.

زمانی که آثار این مدنیت تازه کشف شده بود آنرا به نام نسبتاً مبهم «تهذیب اندوس» یاد کردند و حالا به علت محلی که مظاهر این مدنیت بار اول از آنجا کشف شده دقیق تر آن را «تهذیب هرپه» گویند ولی هنوز هم اعتراف باید کرد که معلومات تاریخی راجع به چگونگی و هویت قومی که باعث ظهور این مدنیت بزرگ شده است، در دست نداریم. علت این امر که وقایع و اشخاص را در تاریخ ظهور این مدنیت بزرگ عجالتاً دخل داده نمی توانیم، این است که تا حال هیچ یک نوع سند تحریری از اینجا کشف نشده است و ظاهراً چنین حکم می توان کرد که باشندگان «هره په» و «موهنجو دیرو» روی پاره موادی نوشته اند که مقاومت نتوانسته و از بین رفته است. تنها آثار تحریری ئی که بدست آمده نوشته هائی است روی مهرهای سنگی و آنهم واضح عبارت از نام ها و عناوین می باشند و آنقدر مختصر و جامد اند که حتی نسبت به معنی و مفهوم 300 حرف تصویری معلومات صحیح و رضائیت بخشی داده نمی توانند. معذالک راجع به صنعت و پیشه و اوضاع زندگانی کسانی که درین شهرهای قدیم وادی اندوس (سند) بودوباش داشتند معلومات کافی در دست است که طبعاً تفصیل آن با جزئیات، یک سلسله خطابه های طولانی بکار دارد و با این کنفرانس به اعم مطالب تماس می کنیم.

بزرگترین شهر مربوطه این مدنیت «هره په» است که در علاقه «مونت گومری» پنجاب وقوع داشت ولی چون از صدها سال باین طرف خشت های خرابه های آن را ده نشینان اطراف برده و اخیراً هم برای ساختن راه آهن از آن استفاده شده است، آبادی های آن مانند عمرانات شهر «موهنجو دیرو» که به 400 میلی جنوب غرب آن واقع است، محافظه نشده است. وسعت خرابه های شهر اخیر الذکر محدودتر است معذالک بخوبی ساحه یک میل مربع را اشغال کرده و محتملاً ازین هم بیشتر بوده زیرا دامنه خارجی آن را کاملاً ریگ و گل رود خانه ناپدید کرده است.

تقریباً به فاصله 80 میلی جنوب شرقی «موهنجو دیرو» شهر سومی نسبتاً کوچک تر «چنهو دیرو Chanhu-daro» و متصل به سرحدات بلوچستان چندین نقاط دیگری موجود است که نماینده همین مدنیت و همین عصر می باشد و مهمترین آن، آنکه قابل حفریات است، «علی مراد Ali Murad» نام دارد.

این شهرهای سرحدی چون در اراضی کهستانی واقع شده در عمرانات آنها سنگ زیاد بکار رفته، حال آنکه شهرهای بزرگتر «هره په» و «موهنجو دیرو» و «چنهو دیرو» کاملاً از خشت پخته آباد شده اند.

مهمترین چیزیکه در رویه عمرانی این مدنیت قدیم که موهنجو دیرو مرکز آنست جلب توجه می کند، اندازه و ضخامت دیوارهای عمرانات آنست. ضخامت معمولی دیوار از 5 فوت متجاوز است و محقرترین عمارت آن بکمال پختگی ساخته شده. در عمرانات این شهر باید یک تعداد فوق العاده زیاد خشت بمصرف رسیده باشد زیرا حتی در کف اطاق ها هم غالباً سه یا چهار قطار خشت فرش شده بود. بلاشبهه خشت مال و خشت ساز و بنای هندی از چهار هزار سال باینطرف به این پیشه اشتغال داشته و احفاد آنها تا امروز در هند باقی مانده است.

در طبقات تحتانی این شهرها اندازه خشت ها عموماً (10.5x5.5x2.5) انچ است و در دوره های بعدتر اندازه آن کلان تر شده است. برای چسپانیدن خشت کاری ها بهم، گل استعمال شده و در علاقه مانند سند و پنجاب که هوای آن نیمه بری است، مناسب ترین موادی بشمار می رود و گمان نمی رود ماده سخت تر نتیجه ئی ازین بهتر داده می توانست. در بعض مواقع مخصوص چونه هم بکار رفته ولی بسیار کم اتفاق افتاده است که گل منظور آبادی کننده را نبرآورده باشد.

شهرهای قدیم وادی اندوس (سند) تماماً به اساس نقشه و پلان معین ساخته شده بود. سرک های عریض از یک طرف تا طرف دیگر شهر طوری کشیده شده بود که باید

فرض کنیم منظوری از آن برای وزیدن بادهای مطلوب هم در نظر بود تا هوای تازه در سر تا سر شهر جریان یافته و دائماً تجدید شود. یکی از سرک های عمده «موهنجودپرو» 23 فوت عرض داشت و ازین نقطه نظر نسبت به اکثر سرک های انگلستان بدون پیاده رواها عریض تر بود. ما عجالتاً خاک های این جاده را تا عمق 20 فوت کشیده ایم و دیوارهای خانه های جدید تر فوقانی که به دو طرف سرک ساخته شده بود عیناً به خط دیوارهای خانه های تحتانی موافقت می کرد. پس انتظام بلدی بدقت تمام مراعات می شد و هیچ کس حق نداشت که پیش برآمدگی در راه عام بمیان آرد.

فاصله به فاصله سرک های کم بر تراز جاده بزرگ به زاویه قائمه جدا شده و دروازه های اغلب خانه ها کنار همین سرک های فرعی کشیده شده بود. این سرک های کوچک ساحه شهر را به مربع و مستطیل ها تقسیم نموده و باز هر حصه را بهمین ترتیب کوچه ها تقسیم می کرد. قراریکه به ملاحظه رسیده حتی در کوچه های کوچک هم صاحب خانه مجاز نبود که با دیوارهای خانه خود پیش برآمدگی یا پس رفتگی در معبر عام تولید نماید. بلی این وضعیت در عمرانات شهر وقتی مشاهده می شود که وضعیت رو به انحطاط گذاشته و قوای اداره ملکی از بین رفته و مردم خود سرانه با آبادی های خود معبر های عام را تنگ ساخته اند. معبر درجه 3 یکی از بی اهمیت ترین سرک های «موهنجودپرو» را در دوره منتهای ترقی آن نشان می دهد. انتظام خط، همواری جاده، اضافاتی که به ترتیب بلند شدن سطح شهر به دیوارهای خانه ها نموده اند، همه بکمال وضوح معلوم می شود.

برای کشیدن آب های کثیف [فاضلاب] شهر در امتداد هر سرک و معبر و کوچه مجرائی با خشت پخته ساخته شده بود. در جاده های بزرگ در دو طرف سرک و در کوچه ها فقط بیک طرف آن مجرای کثافات کشیده شده است. این مجراها از هر دو طرف به خانه های کناره جاده وصل بوده و کوشش زیاد بخرج رفته که حمام ها و مکان ها حتی الامکان قریب مجری و مخرج کثافات یعنی درست در میان دیوار بین خانه ها و جاده ساخته شود. مجرای کثافات که با خشت پخته و ندرتاً با سنگ پوشانیده شده بود زیر سطح جاده و معبر بود تا هنگام بند شدن بسهولت پاک شود و چنین بنظر می آید که مرتباً از طرف اداره انتظام شهری پاک می شد و این مفکوره از روی کوت های کوچک ریگ معلوم می شود که در امتداد مجرا دیده شده و هویدا است که با برس یا جاروبی که به نوک چوب درازی می بستند مرتباً مجراهای مذکور را پاک و تمیز می کردند.

موضوع کشیدن آب های کثیف حتی در موقعی که شهر انتظام عمرانی خود را از دست داده و یک سلسله پیش برآمدگی ها و پس رفتگی ها آن را تشکیل داده بود، هم حل شده

است. درین وقت هر صاحب خانه خُم بزرگی بیرون دیوار منزل خود در زمین گور کرده و آب های فاضله را در آنجا می انداخت. در سطح فوقانی «موهنجو دیرو» بیرون تمام خانه ها این خم ها گور شده بود. هر خم در قسمت تحتانی خود سوراخی داشت که آب از آن در زمین نفوذ می کرد و وقت بوقت خود مالکین خانه ها خم های خود را پاک می کردند. عمارات بزرگ که دو منزل یا بیشتر داشت، مجرای خروج عمودی در لای دیوار ها برای آب های فاضله داشتند در بعضی مواقع آب های باران بام ها هم ازین مجراها رد می شد. / مجله آریانا، شماره نهم، اول میزان، کابل 1322//نشر مجدد اپریل 2012، بنیاد فرهنگی کهزاد/